

## نقد و بررسی دیدگاه مفسران اهل سنت در مراد از «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»

سید حسین شفیعی دارابی<sup>۱</sup>، عشرت بتول احمدی اطهر<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از آیات مورد تنازع بین مفسران شیعه آیات پایانی سوره رعد به ویژه آیه «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» است که مفسران برای تعیین مصداق آن بسیار تلاش کرده اند. سؤال و دغدغه اصلی این است که مصداق واقعی از این فراز آیه کیست؟ برای یافتن پاسخ این پرسش پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با جست و جو در کتب تفسیری اهل سنت گردآوری شده است. دستاوردهای مهم این نوشتار عبارت است از: الف) مکی بودن فراز «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ». ب) امام علی علیه السلام تنها مصداق و یا برترین مصداق این فراز است. ج) عدم پذیرش سایر دیدگاه‌ها با طرح و بررسی شواهد دلالتی و روایی مربوطه.

**واژگان کلیدی:** علم الکتاب، امیرالمؤمنین علیه السلام، مصداق علم الکتاب، مفهوم علم الکتاب.

### ۱. مقدمه

از آیات مورد نزاع بین مفسران فریقین فراز پایانی آیه ۴۳ سوره رعد است. علمای تفسیری فریقین برای تعیین مصداق این فراز بسیار تلاش کرده اند و همین باعث شده است تا دیدگاه‌های متنوعی در این زمینه شکل بگیرد. دانشمندان و مفسران اهل سنت مصداق‌های متعددی برای این آیه آورده اند، با اینکه فهم درست از آیه این است که منظور از آن امام علی علیه السلام است، اما با مراجعه به تفاسیر اهل سنت پیرامون این آیه چنین به دست می آید که در آنها بیشتر به بیان اقوال بسنده شده و کمتر به نقد و بررسی انجامیده است. به همین دلیل ضروری است که تحقیقی صورت گیرد تا اقوال مختلف در این زمینه نقد و بررسی شود.

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی گروه علمی- تربیتی علوم قرآن و حدیث مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، مدیر گروه تفسیر و علوم قرآن جامعه الزهراء علیها السلام، از ایران.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، از پاکستان.

## ۲. مفهوم شناسی

### ۲-۱. علم

علم در لغت به معنای دانستن و دانش آمده است. برخی آن را نقیض جهل خوانده اند و برخی آن را به معنای معرفت گرفته اند. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۱۵۲/۲؛ ازهری، بی تا، ۲/۲۵۴) کاربرد اصطلاحی علم در علوم گوناگون معانی مختلفی دارد. در منطق قرآنی نیز علم به چند معنا بیان شده است:

علم به معنای الهیات، یعنی دانشی که خدا به انسان آموزش می دهد. «...وَعَلْمَانَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» (کهف: ۶۵). این معنای علم از بافضیلت ترین علوم است. علم به معنای عام: «...قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ...» آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند، برابرند...» (زمر: ۹). به نظر می رسد مقصود از علم در این آیه، مطلق علم و دانش است که شامل همه اقسام علم مفید می شود (فیومی، ۱۴۱۴، ۲/۴۲۷؛ زبیدی واسطی، ۱۴۱۴، ۱۷/۴۹۵).

خداوند در آیه ۱۱ سوره مجادله ایمان و علم را از هم جدا کرده است و علم را موجب فضیلت می داند. خداوند علم را مفید به علم الهیات نمی داند، پس مطلق علم مراد است. منظور از علمی که در آیه «و من عنده علم الكتاب» فقط علم به الهیات نیست بلکه مطلق علم و آگاهی است.

### ۲-۲. کتاب

از نظر ساختاری کتاب مصدر غیر قیاسی بر وزن فعال است. برخی معتقدند که کتاب اسم است بر وزن فعال به معنای مفعول مانند لباس به معنای ملبوس. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۱۳/۲) واژه کتاب در کاربردهای عمومی به معنای مکتوب و نوشته شده است. قرآن نه تنها در مقام توصیف خود بلکه در اشاره به کتب مقدس پیشین و در موارد گوناگون دیگر نیز از این واژه استفاده کرده است. در باب وجوه معنایی واژه کتاب و مشتقات آن قرآن پژوهان آمارهای متعددی ارائه کرده اند و هر یک با توجه به ذوق و گستره دانش خود جوهری را برای آن برشمرده اند (مهدوی راد، بی تا، ص ۲۹۹). واژه کتاب در قرآن کریم به معانی مختلف به کار رفته است. از جمله: نامه اعمال فرد فرد انسان ها (اسراء: ۱۳؛ کهف: ۴۹)، نامه اعمال امت ها (جاثیه: ۲۸)، نامه اعمال جمیع خلائق (جاثیه: ۲۹) (ن.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ۷/۲۶۱). نامه اعمال نیکان (مطففین: ۱۸؛ توبه: ۱۲۱)، نامه اعمال بدکاران (مطففین: ۷). همچنین در قرآن

از دفتر ثبت حوادث و جزئیات نظام عالم که همان لوح محفوظ و مرتبه‌ای از علم الهی است به کتاب تعبیر شده است مانند ام‌الکتاب (رعد: ۳۹)، کتاب حفیظ (ق: ۴) و کتاب مکنون (واقعه: ۷۸). واژه کتاب در قرآن مفهوم پیچیده‌ای دارد. اصطلاح علم‌الکتاب به معنای مطلق تمام علوم تکوینی یا تشریحی است که در لوح محفوظ به ثبت رسیده است.

### ۳. منظور از عبارت «و من عنده علم‌الکتاب» از نگاه مفسرین اهل سنت

#### ۳-۱. همه مؤمنان

#### ۳-۱-۱. تبیین دیدگاه و مدافعان آن

برخی از مفسرین اهل سنت مانند قشیری معتقدند که مراد از فراز مذکور همه مؤمنان است. وی معتقد است که این علم را خداوند به همه مؤمنان داده است. (قشیری، بی‌تا، ۲/۲۳۸) محمد بن عبدالله معروف به قاضی ابوبکر بن العربی همه مؤمنان را برای تعیین مصداق فراز «و من عنده علم‌الکتاب» آورده است و می‌نویسد:

اختلف فیمن عنده علم‌الکتاب بعد ذکر قول مجاهد علی أربعه أقوال: الأول: أن المراد به من آمن من اليهود و النصارى. الثاني: أنه عبدالله بن سلام. الثالث: أنه علی بن ابی طالب. الرابع: المؤمنون کلهم. (ابن العربی، بی‌تا، ۳/۱۱۱۳)

وی بعد از بیان اقوال چهارگانه و پس از انکار فضیلت حضرت علی علیه السلام بر دیگران سه دیدگاه نخست را تضعیف می‌کند و معتقد است که همه مؤمنان مصداق آیه هستند. گویا از دید او مؤمنان از تمام ابعاد و وجوه اعجاز قرآن آگاهند و جزء راسخان در علم هستند که تأویل متشابهات قرآن را می‌دانند. (ابن العربی، بی‌تا، ۳/۱۱۱۳)

#### ۳-۱-۲. دلایل دیدگاه

قشیری برای مدعای خود می‌نویسد: «إذ المؤمنون یعلمون ذلك؛ چون خداوند به آنها گفته است همه مؤمنان آگاهی کامل دارند» (قشیری، بی‌تا، ۲/۲۳۸). ابن العربی برای سخن خود ابتدا احتمالات دیگر را باطل می‌کند و می‌نویسد:

أما من قال: إنهم الذین آمنوا من اليهود کابن سلام و ابن یامین و من النصارى کسلمان و تمیم الداری، فإن المعنی عنده بالکتاب التوراة و الإنجیل.  
اما کسانی که می‌گویند آنها یهودیانی هستند که ایمان آورده‌اند مانند ابن سلام و ابن یامین و مسیحیانی که ایمان آوردند مانند سلمان و تمیم داری، پس معنی عنده بالکتاب یعنی تورات و انجیل. (ابن عربی، بی‌تا، ۱۱۱۴)

سپس وی در مورد امیر المؤمنین علیه السلام می‌گوید:

کسانی که می‌گویند مراد علی بن ابی طالب علیه السلام است بنا بر دو وجه گفته‌اند: یا اینکه او اعلم مؤمنان است در حالی که چنین نیست و ابوبکر و عمر و عثمان داناتر از او بوده‌اند و یا به خاطر قول نبی صلی الله علیه و آله است که فرمود من شهر علمم و دروازه آن علی علیه السلام است. این حدیث نیز باطل است و مراد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شهر علم و دروازه‌های آن اصحاب ایشان است. (ابن عربی، بی‌تا، ۳/۱۱۱۴)

او بعد از رد تمامی این سخنان قول منتخب خود را چنین می‌نویسد:

و أما من قال: إنهم جميع المؤمنین فصدق، لأن كل مؤمن يعلم الكتاب و بدرک وجه إعجازه يشهد للنبي صلی الله علیه و آله.  
اما کسانی که می‌گویند مراد تمامی مؤمنان است این سخن حق است؛ زیرا همه مؤمنان کتاب قرآن را می‌شناسند و وجه اعجاز آن را درک می‌کنند و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شهادت به صدق داده‌اند.

پس دلیل اینکه تمام مؤمنین مراد آیه هستند این است که مؤمنان به کتاب خداوند آگاهی دارند و وجه اعجاز آن و پیامبر صلی الله علیه و آله را تصدیق کرده‌اند. (ابن عربی، بی‌تا، ۳/۱۱۱۴)

### ۳-۱-۳. نقد و بررسی دیدگاه

با توجه به شواهد درون متنی از ظاهر واژه من موصوله و نقش آن در فراز «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» پیداست که مصداق آن فقط یک نفر است؛ زیرا در این صورت باید از الفاظی مانند اللذان یا اللذین استفاده می‌کرد، پس این نظر از اساس باطل است. همچنین باید گفت که آیا همه مؤمنان آن چنان مراتب ایمانی داشته‌اند که تصور شود نام آنها در کنار نام خداوند قرار گیرد؟ بسیاری از مؤمنان قبل از ایمان در ضلالت و گمراهی بودند. در این صورت هرگز صحیح نیست که خداوند شهادت آنها را بر جسته کند. اگر این مورد درست باشد کافران می‌توانستند بگویند که شما چگونه گواهی افرادی را می‌دهد که سال‌ها در شرک و بت پرستی غرق بودند؟ بنابراین، مصداق این فراز از آیه باید کسانی باشند که هرگز به شرک، بت پرستی، ضلالت و گناه آلوده نشده‌اند.

ابن العربی حدیث «انا مدینه العلم و علی بابها» را مردود اعلام می‌کند و دلیلی برای سخن خود نمی‌آورد. در مدینه العلم بودن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بحثی نیست، ولی به چه دلیل می‌گویید «و ابوابها اصحابه»؟ حتی اگر چنین هم باشد آنها هم طراز و هم رتبه با علی علیه السلام بودند؟ مگر خود خلیفه اول و دوم و برخی دیگر از صحابه به افضلیت علمی امیر مؤمنان اعتراف نکرده‌اند؟ اصحابی

مانند ابن عباس (ر.ک.، ابن شهر آشوب، ۳۰/۲)، عمر بن خطاب و عبدالله بن مسعود (ر.ک.، حسکانی، ۱۴۱۱، ۳۵/۱)، عبدالله بن عمر و عایشه (ر.ک.، حسکانی، ص ۴۷) ابو عبدالرحمن سلمی و عطا بن ابی ریاح (ر.ک.، حسکانی، ص ۳۴). این روایت با مضامین مشابه در کتب فریقین آمده است از جمله: «انا دار الحکمه و علی بابها» (ترمذی، ۱۹۸۳، ۲/۲۱۴؛ بغوی، ۱۴۱۹، ۱۷۴/۴)، «انا دار العلم و علی بابها» (طبری، ۱۳۸۶، ص ۷۷)، «أنا میزان العلم و علی کفتاه» (دیلمی، ۱۹۹۷، ۴۴/۱، ص ۱۰۷)، «علی باب علمی و مبین لامتی ما أرسلت به من بعدی» (متقی هندی، ۱۹۸۹، ۱۵۶/۶) (ر.ک.، امینی، ۱۳۶۸، ۱۱۵/۶).

علمای سرشناس اهل سنت این روایت را در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند مانند ابوبکر عبدالرزاق بن همام صنعانی (ر.ک.، حاکم نیشابوری، ۱۹۹۸، ۱۲۷/۳)، یحیی بن معین ابوزکریا بغدادی (۱۳۷۰، ۴۹/۱۱)، امام احمد بن حنبل (بی‌تا، ص ۱۳۸)، ابو عیسی محمد ترمذی (گنجی، بی‌تا، ص ۲۲۰)، ابوجعفر محمد بن جریر طبری (۱۴۱۲، ۱۰۵، ص)، ابن حجر عسقلانی (۱۴۱۵، ۲/۱۵۵).

### ۳-۲. عالمان یهود و نصارا

#### ۳-۲-۱. تبیین دیدگاه و مدافعان آن

مفسران اهل سنت معتقدند مراد از «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» عالمان یهود و نصارا است. نصر بن محمد سمرقندی می‌نویسد: «کسی که علم کتاب نزد او است، یعنی کسی که ایمان آورده است از اهل کتاب مثل عبدالله بن سلام و اصحابش شاهد هستند بین من و شما؛ زیرا آنها توصیف او را در کتاب‌هایشان یافتند».

سمرقندی پس از ذکر اشکال عبدالله بن مسعود آن را با روایتی که منسوب به ابن عباس است، پاسخ می‌دهد. ابن مسعود می‌گوید: «چگونه ممکن است که مراد از آیه شریفه عبدالله بن سلام باشد و حال آنکه آیه مکی است و ابن سلام در مدینه اسلام آورده است. سپس از ابن عباس نقل می‌کند که او گفته است این آیه مدنی است». (سمرقندی، ۱۴۱۶، ۲/۲۳۳)

بغوی ذیل این آیه کسانی از اهل کتاب که مسلمان شده اند را مصداق آیه می‌داند و می‌نویسد: «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ، یرید مؤمنی اهل کتاب». (بغوی، ۱۴۱۹، ۲۹/۳) از دیگر کسانی که قائل به این قول هستند فخر رازی است. وی چهار دیدگاه مختلف را بیان می‌کند و پس از نقل اقوال چهارگانه و خدشه در سه قول اول، دوم و چهارم قول سوم را می‌پذیرد و می‌نویسد:

القول الثالث: و من عنده علم الكتاب المراد به: الذي حصل عنده علم التوراة و الإنجيل، یعنی: أن كل من كان عالما بهذين الكتابين علم اشتغالهما على البشارة بمقدم محمد صلى الله عليه وسلم، فإذا أنصف ذلك العالم ولم يكذب كان شاهداً على أن محمداً صلى الله عليه وسلم رسول حق من عند الله تعالى. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۵۵/۱۹)

### قول سوم

مراد از «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» کسانی هستند که به تورات و انجیل علم دارند، یعنی هر که به این دو کتاب علم دارد صفات و خصوصیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در آن می یابد و اگر از روی انصاف سخن بگویند و دروغ نگویند، تصدیق می کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله پیامبر حقی از جانب خداست. وی ادله کسانی که عبدالله بن سلام را مصداق این آیه می دانند، رد می کند و می گوید:

ابن سلام و دیگران در مدینه ایمان آوردند در حالی که این آیه در مکه نازل شده است، ولی از این سخن پاسخ داده شده است به اینکه سوره رعد مکی است، ولی این آیه مدنی است، ولی اشکال دیگری ذکر می کند که اثبات نبوت با قول یک یا دو نفر از اهل کتاب با اینکه معصوم نیستند، جایز نیست. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۵۵/۱۹)

بیضاوی از دیگر مفسران اهل سنت نیز همین دیدگاه را دارد و می گوید: «مراد یا علم به قرآن است؛ زیرا قرآن نظم با اعجاز دارد یا مراد علم به تورات است و مقصود ابن سلام و نظایر او هستند». (بیضاوی، بی تا، ۳/۱۹۱) ابن کثیر دمشقی نیز مصداق آیه را عالمان اهل کتاب می داند نه فقط عبدالله بن سلام؛ زیرا معتقد است که این آیه مکی است و مطابق اسناد موجود تاریخی عبدالله بن سلام در مدینه اسلام آورده بود. سخن او چنین است:

قيل: نزلت في عبدالله بن سلام، قال مجاهد و هذا القول غريب، لأن هذه الآية مكية و عبدالله بن سلام إنما أسلم في أول مقدم النبي صلی الله علیه و آله المدينة و الأظهر في هذا ما قاله العوفي عن ابن عباس قال: هم من اليهود و النصارى و الصحيح في هذا أن و مَنْ عِنْدَهُ اسم جنس يشمل علماء أهل الكتاب الذين يجدون صفة محمد صلی الله علیه و آله و نعتة في كتبهم المتقدمة من بشارات الأنبياء به. (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ۴/۴۰۷)

سیوطی نیز در تفسیر الجلالین همین قول را ذکر می کند. (سیوطی، بی تا، ۱/۲۵۸) آلوسی نیز مصداق فراز «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» را عبدالله بن سلام و امثال او از اهل کتاب می داند که صفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در کتب خود دیده بودند. او می نویسد:

وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ أَى علم القرآن و ما عليه من النظم المعجز. المراد «بالكتاب» التوراة و الإنجيل و المراد بمن عنده علم ذلك الذين أسلموا من أهل الكتابين. فإنهم يشهدون بنعته عليه الصلاة و السلام في كتابهم.

و کسی که علم کتاب نزد اوست یعنی علم قرآن و نظم اعجاز کننده ای که قرآن دارد و گفته شده مراد به کتاب تورات و انجیل است و مراد همان کسانی هستند که اسلام آوردند مثل عبدالله ابن سلام و هم نوعانش پس ایشان در کتاب هایشان اوصاف پیامبر را دیدند و بر طبق آن شهادت دادند. (آلوسی، ۱۴۱۵، ۷/۱۶۵)

آلوسی می‌گوید سوره رعد مکی است و عبدالله بن سلام در مدینه اسلام آورده است. او در پاسخ از این ایراد می‌گوید: «آیه آخر این سوره استثنا بوده و در مدینه نازل شده است». سپس اشکال دیگری را متعرض می‌شود که بر اساس آن همه آیات سوره رعد در مکه نازل شده‌اند. آن‌گاه در پاسخ می‌گوید:

منافات ندارد که سوره و آیه مکی باشد و خبر بدهد از آنچه بعد به آن شهادت می‌دهند، پس مسلمان نبودن ابن سلام وقت نزول آیه و عدم حضور او ضرر نمی‌زند. او برای تأیید نظر خود مدعی برخی از دانشمندان اهل سنت مبنی بر اینکه تمام سوره رعد مدنی است را ذکر می‌کند. آن‌گاه روایاتی از محمد بن حنفیه و امام باقر علیه السلام را یاد آور می‌شود که بر اساس آنها مراد از آیه شریفه علی بن ابی طالب علیه السلام است. آلوسی هر چند معتقد است امام علی علیه السلام علم کامل به قرآن دارد، اما با سوگند خوردن به جان خود این دست از روایات را رد می‌کند. (آلوسی، ۱۴۱۵، ۷/۱۶۵)

### ۳-۲-۲. دلایل دیدگاه

بیشتر کسانی که معتقد به این قول هستند دلیلشان این است که منظور از کتاب، تورات و انجیل است و تنها عالمان یهود و نصارا علم کافی به این دو کتاب داشته‌اند. عالمان اهل کتاب به خصوصیات و ویژگی‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در کتاب هایشان عالم بودند و بر اساس همان بر نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گواهی می‌دادند. (آلوسی، ۱۴۱۵، ۷/۱۶۵)

### ۳-۲-۳. نقد و بررسی دیدگاه

شاهد درون متنی آیه حرف من موصوله است که فقط می‌تواند یک نفر باشد و اگر قصد بیش از یک نفر را داشت باید عبارت اللذان یا اللذین را به کار می‌برد. این احتمال نیز بسیار قوی است که علم مورد نظر آیه بسیار فراتر از علوم ظاهری است مانند علم آصف بن برخیا که عرصه‌هایی مانند احاطه به اسرار و بطون مورد تصرف در امور تکوینی را شامل می‌شود که حاضر کردن تخت بلقیس از مسافتی طولانی در زمانی کوتاه از ویژگی‌های او است. (طوسی، ۱۴۰۷، ۸/۹۸) مقصود از شهادت در این جا ادای شهادت است نه تحمل شهادت. مبارزه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و دعوت آن حضرت در مکه فقط با مشرکین قریش بوده است. با این حال معنی ندارد که

رسول خدا ﷺ در رسالت خود به شهادت کسی که به نبوت او ایمان نیاورده و گواهی نداده است، احتجاج کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۵۸۷/۱۱).

از صاحبان این دیدگاه باید پرسید که آیا در میان مؤمنان اهل کتاب شخصی که عالم به تمام کتاب اعم از محکمت و متشابه، مطلق و مقید، عام و خاص و... باشند سراغ دارند؟ که بتوان او را به عنوان مرجع دینی، علمی، عملی و مصداق خارجی این فراز از آیه یاد کرد؟ به راستی که کسی جز امام علی علیه السلام که علم خود را از پیامبر صلی الله علیه و آله آموخت، توان گفتن چنین سخنی را ندارد

### ۳-۳. عبدالله بن سلام

#### ۳-۳-۱. تبیین دیدگاه و مدافعان آن

عبدالله بن سلام بن حارث اسرائیلی (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ۹۲۱/۳) از یهودیانی است که برخی معتقدند که در سال اول (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ۱۰۳/۴) و برخی معتقدند که دو سال بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورده است. (عاملی، ۱۴۲۶، ۱۴۵/۴) نام او در جاهلیت، حصین بوده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از اسلام آوردن نام او را به عبدالله تغییر می دهد (عاملی، ۱۴۲۶، ۱۴۵/۴) برخی به همراه عالمان اهل کتاب، عبدالله بن سلام را به طور خاص نام برده اند مانند ابن العربی (بی تا، ۳/۱۱۱۴) و سیوطی (۱۴۰۴، ۲۵۸/۱)، آلوسی (۱۴۱۵، ۱۶۵/۷) در مقابل برخی از مفسران اهل سنت تنها یک مصداق، یعنی عبدالله بن سلام را ذکر کرده اند مانند محمد بن جریر طبری که نخستین مفسر اهل تسنن است که مصداق آیه «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمٌ الْكِتَابِ» را عبدالله بن سلام دانسته است (طبری، ۱۴۱۲، ۱۱۸/۱۳). نجم الدین نسفی از دیگر مفسران اهل تسنن در این باره می گوید: «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا؛ و می گویند کافران که نهی تو از رسل و انبیا»، «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ؛ بگویی که بسنده است خدای تعالی گواه میان من و شما» «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمٌ الْكِتَابِ؛ و آنک به نزد وی است علم تورات، یعنی عبدالله بن سلام» (نسفی، ۱۹۹۵، ۴۸۱/۱).

#### ۳-۳-۲. دلایل دیدگاه

کسانی که قائل این قول هستند دلیلشان این است که عبدالله بن سلام تنها کسی است که به دلیل مسیحی بودنش و مطالعه کتاب انجیل تمام ویژگی ها و خصوصیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در قبل از اسلام آوردن، خوانده بود و آگاهی کامل به آنها داشت و با شنیدن قرآن و دیدن ویژگی های پیامبر صلی الله علیه و آله به او ایمان آورد. (آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۶۵/۷) طبری صاحب تفسیر جامع



البیان فی تفسیر القرآن برای اثبات مدعای خود ده روایت ذکر می‌کند از جمله:

عن قتادة، قوله: وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قَالَ: قول مشرکی قریش: قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ أَنَا مِنَ أَهْلِ الْكِتَابِ كَانُوا يَشْهَدُونَ بِالْحَقِّ وَيَقْرُونَ بِهِ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ. (طبری، ۱۴۱۲، ۱۳/۱۱۸)

مراد از آیه مردمانی از اهل کتاب بودند که شهادت به حقانیت قرآن و علم به پیامبری حضرت محمد ﷺ داشتند و آن شخص عبدالله بن سلام بوده است.

### ۳-۳-۳. نقد و بررسی دیدگاه

طبری اولین مفسری است که عبدالله بن سلام را مصداق خاص آیه می‌داند، پس باید گفت که تفسیر طبری با داشتن ویژگی‌های مثبت، نکات منفی نیز دارد مانند وجود اسرائیلیات در این تفسیر که انتقادهایی را برانگیخته است. آمال محمد عبدالرحمن ربیع برخی از اسرائیلیات تفسیر طبری را با نقل‌های مشابه در منابع عبری در کتاب *الإسرائيليات في تفسیر الطبری* چاپ کرده است و می‌گوید: «طبری با وجود اینکه در ذکر اسناد و روایت احادیث دقت می‌کند به صحت و نقد سند اعتنایی ندارد، پس احادیث ضعیف‌السند در تفسیر وی فراوان دیده می‌شود» (ربیع، ۱۴۲۲، ص ۲۲).

شیخ طوسی نیز در مقدمه *التبیان* به افراط طبری در تفصیل مطالب اشاره می‌کند و آن را نقص کار او می‌داند. (طوسی، بی‌تا، ۱/۹۸) نمونه‌هایی از اسرائیلیات را که با عصمت انبیا منافات دارد می‌توان ذیل آیه ۳۷ سوره احزاب (طبری، ۱۴۱۲، ۲۰/۲۷۲) و آیات ۲۱ تا ۲۵ سوره ص طبری، ۱۴۱۲، ۲۲۱/۱۸۱) و آیه ۲۴ سوره یوسف (طبری، ۱۴۱۲، ۱۶/۳۹) دید. عدم توجه به اسناد روایت در ذیل این آیه نیز دیده می‌شود و ۱۰ روایتی که در مورد عبدالله بن سلام آمده است حتی از نظر اهل سنت موثق نیستند. روایاتی که او به آنها استشهاد می‌کند بیشتر از روایانی است که متهم به کذب هستند مانند عبدالملک بن عمیر (ذهبی، ۱۹۹۶، ۵/۴۴۰) که از کسانی هستند که اسرائیلیات را وارد دین می‌کردند (ر.ک.، دیاری بیدگلی، ۱۳۸۷). در مورد خود عبدالله بن سلام نیز ابهام و تردید است؛ زیرا او بعد از هجرت ایمان آورده است در حالی که همگی اتفاق نظر دارند که سوره رعد و فراز «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» مکی است و در مکه نازل شده است (زرکشی، ۱۴۰۸، ۱/۱۹۵؛ ابن جوزی، ۱۴۰۴، ۴/۲۹۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ۷/۱۶۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ۴/۴۰۷؛ معرفت، ۱۳۷۴، ۱/۱۷۷) و سزاوار نیست آیه‌ای نازل شود و

شان نزول و مصداق آن مجهول باشد. علاوه بر نقدهای فوق مصداق این فراز از آیه باید مقام عصمت داشته باشد؛ زیرا همان گونه که برای اثبات مقام عصمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نام خداوند را آورده است باید مصداق این فراز از آیه نیز چنان درجه ای از ایمان و عمل صالح داشته باشد که شایستگی قرار گرفتن در این مقام را داشته باشد.

### ۳-۴. امام علی علیه السلام

#### ۳-۴-۱. تبیین دیدگاه و مدافعان آن

علاوه بر مفسران شیعه در برخی از تفاسیر اهل سنت روایاتی آمده است که نشان می دهد آنها نیز هم صدا با مفسران شیعه، مراد از فقره «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» را امام علی علیه السلام می دانند. ابن عطا از مفسران تابعی می نویسد:

نزد ابی جعفر در مسجد نشسته بودم. عبدالله بن سلام را دیدم که در قسمت دیگر مسجد نشسته بود. پرسیدم از ابی جعفر که گمان کردند که علم کتاب نزد او است، پس گفت به درستی که نزد علی ابن ابی طالب علیه السلام است. از ابی حنیفه در مورد آیه «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» سؤال شد. او گفت مراد آن امیر المؤمنین علی علیه السلام است.

ابواسحاق احمد بن محمد ثعلبی نیشابوری نیز در این باره دورایت نقل می کند:

قال: كنت جالسا مع أبي جعفر في المسجد فرأيت ابن عبدالله بن سلام جالسا في ناحية فقلت لأبي جعفر: زعموا أن الذي عنده علم الكتاب عبدالله بن سلام. فقال: إنما ذلك علي بن أبي طالب علیه السلام. أحمد بن مفضل حدثنا مندل بن علي عن إسماعيل بن سلمان عن أبي عمر زاذان عن ابن الحنيفة وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ قال: هو علي بن أبي طالب علیه السلام. (ثعلبی، ۱۴۲۲، ۵/۳۰۳)

حاکم حسکانی نیز در *شواهد التنزیل* روایات متعددی پیرامون این آیه آورده است که در همگی آنها مصداق آیه امام علی علیه السلام است. برای نمونه از ابن عباس و محمد حنفیه چنین نقل می کند: «عن ابن عباس فی قوله تعالی: "وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ" قال: هو علی بن علی طالب علیه السلام». (حسکانی، ۱۴۱۱، ۱/۴۰۲) او روایت دیگری را از حضرت علی بن جعفر علیه السلام منعکس کرده است. حضرت می فرماید: "مراد از "وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ" علی بن ابیطالب علیه السلام است" (حسکانی، ۱۴۱۱، ۱/۴۰۲). برید بن معاویه از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «مقصود از این آیه ما اهل بیت هستیم که اول و افضل ما بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین علیه السلام است». قرطبی بعد از بیان چند وجه در مورد آیه مورد بحث قول اصح را همین دانسته است و می نویسد:

قال عبدالله بن عطاء: قلت لأبي جعفر بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عليه السلام زعموا أن الذي عنده علم الكتاب عبدالله بن سلام فقال: إنما ذلك علي بن أبي طالب عليه السلام - كذلك قال محمد ابن الحنفية.

به امام سجاد عليه السلام گفتم مردم گمان می کنند آن کسی که علم کتاب نزد او است عبدالله بن سلام است. ایشان فرمود مراد از این آیه علی ابن ابی طالب عليه السلام است. محمد بن ابی حنیفه نیز همین را می گوید. (قرطبی، ۱۳۶۴، ۱۰/۳۳۶)

تفاسیر دیگر اهل سنت نیز این روایت را نقل کرده اند مانند (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ۲/۵۰۲)، (قرطبی، ۱۳۶۴، ۱۰/۳۳۶). سلیمان قندوزی نیز از سعید خدری در تفسیر این آیه روایتی را نقل می کند که بر اساس آن مراد از این آیه امام علی عليه السلام است. (قندوزی، بی تا، ۱/۳۰۷)

### ۳-۴-۲. دلایل دیدگاه

مفسران اهل سنت معتقد به این دیدگاه برای اثبات ادعای خود به روایات تمسک کرده اند. روایاتی که امام علی عليه السلام را به عنوان مصداق آیه معرفی می کند. برای مثال حاکم حسکانی در مورد مصداق این آیه به این حدیث اشاره می کند: «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ كَانَ عَالِمًا بِالتَّفْسِيرِ وَالتَّوْبِيلِ وَالنَّاسِخِ وَالمَنْسُوخِ وَالحَلَالِ وَالحَرَامِ» (حسکانی، ۱۴۱۱، ۱/۴۰۵). امام علی عليه السلام تنها کسی است که عالم به تفسیر و تأویل، ناسخ و منسوخ، حلال و حرام، عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین، محکم و متشابه است. او تنها کسی است که از علم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن گونه که حق بود، استفاده کرد.

### ۳-۴-۳. تبیین دیدگاه مختار

این دیدگاه مفسران اهل سنت با دیدگاه مفسران شیعی یکی است، ولی از چند جهت نقدی بر آنها وارد است از جمله:

- بسنده کردن روایات در مقام اثبات مدعا و غفلت از دیگر دلایل مربوطه؛

- معرفی مصادیق دیگر برای آیه با علم و آگاهی از دریای بیکران علم و آگاهی امیر المؤمنین عليه السلام

- تمسک به روایات ضعیف و غفلت از استناد به روایات قوی تر.

چگونه است مفسران اهل سنت با اینکه علم و آگاهی امیر المؤمنین عليه السلام را می دانستند مصداقی غیر از ایشان را نیاوردند. وقتی این آیه با آیه «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» (نمل: ۴۰) که در مورد اصف بن برخیا نازل شده است، مقایسه شود گستردگی دامنه علم و معرفت آن مشخص می شود. قرآن کریم حاضر کردن تخت بلقیس نزد حضرت

سلیمان علیه السلام به دست آصف بن برخیا را این گونه شرح می دهد: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ» (نمل: ۴۰).  
 به استناد این آیه و با کمک روایاتی که در این زمینه وجود دارد عموم مفسران معتقدند که آصف بن برخیا با داشتن بخشی از علم کتاب توانست تخت بلقیس را از صدها فرسنگ دورتر و پیش از آنکه سلیمان نبی علیه السلام پلک بر هم گذارد نزد وی حاضر کند. این مدعا از آنجا ناشی می شود که مفسران گفته اند که مراد از حرف **مِن** در فقره «عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» من تبعیضیه است، پس اگر آصف بن برخیا با داشتن بخشی از دانش توانست تخت بلقیس را از آن راه دور حاضر کند مصداق «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمٌ الْكِتَابِ» در آیه آخر سوره رعد باید کسی باشد که علم و توان بیشتری دارد. (طوسی، ۱۴۰۷، ۸ / ۹۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۷ / ۳۷۵) امام صادق علیه السلام بر اساس همین استدلال بر آگاهی اهل بیت علیهم السلام از علوم غیبی تأکید کرده است. گفتار امام در این باره خطاب به سدید صیرفی چنین است:

یا سدید! أَفَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ كَلَهُ أَفْهَمُ أَمْ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ بَعْضُهُ؟ قُلْتُ: لَا، بَلْ مِنْ عِنْدِهِ عِلْمُ الْكِتَابِ كَلَهُ. قَالَ: فَأَوْمَأُ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ وَقَالَ: عِلْمُ الْكِتَابِ وَاللَّهِ كَلَهُ عِنْدَنَا عِلْمُ الْكِتَابِ وَاللَّهِ كَلَهُ عِنْدَنَا.  
 ای سدید! آیا کسی هست که همه علم کتاب نزد او باشد که از من بفهمم یا کسی که بعضی از کتاب نزد او باشد؟ جواب داد نه، بلکه کسی که همه کتاب نزد او است پس او کسی که همه کتاب در دستان او است و گفت به خدا قسم همه علم کتاب نزد ماست.  
 به خدا قسم همه علم کتاب نزد ماست. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷ / ۲۵۷)

روایات ناظر به علم امام علی علیه السلام به ویژه روایاتی که در نهج البلاغه و از زبان خود ایشان نقل شده است به خوبی بر گستردگی دانش بسیار ایشان و فراتر از مرزهای متعارف دلالت دارد. این واقعیت گویای آن است که مصداقی غیر از امام علی علیه السلام برای آیه مورد بحث نیست. امام علی علیه السلام در جایی از داشتن علمی مکنون خبر می دهد که اگر آن را فاش کند مردم مانند ریسمان بلندی در چاه به خود خواهند لرزید:

بَلِ انْدَمَجَتْ عَلَيَّ مَكْنُونِ عِلْمٍ لَوْ بُحْتُ بِهِ لَأَضْطَرُّنْتُكُمْ اضْطِرَابَ الْأَرْضِ شِبْهَةَ فِي الطَّوِيِّ الْبَعِيدَةِ.

بلکه دانش نهان چنان سراچه دلم را لبریز کرده است که اگر آن را با شما در میان گذارم بسان ریسمان در چاه ژرف بر خویشتن خواهید لرزید. (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص ۵۲)

امام علی علیه السلام از اینکه مردم نسبت به ایشان دچار غلو و گزافه‌گویی شوند و ایشان برتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بدانند اظهار نگرانی کرده است. به همین دلیل گفت که این اسرار را با خواص خود در میان می‌گذارد:

وَاللَّهِ لَوْ شِئْتُ أَنْ أُخْبِرَ كُلَّ رَجُلٍ مِنْكُمْ بِمَخْرَجِهِ وَ مَوْلَجِهِ وَ جَمِيعِ شَأْنِهِ لَفَعَلْتُ وَ لَكِنْ أَخَافُ أَنْ تَكْفُرُوا فِيَّ بِ رَسُولِ اللَّهِ صَ أَلَا وَ إِنِّي مُفْضِيهِ إِلَى الْخَاصَّةِ مِمَّنْ يُؤْمِنُ ذَلِكَ مِنْهُ.

سوگند به خدا اگر بخواهم هر یک از شما را خبر دهم که از کجا آمده است و به کجا می‌رود و چند و چون تمام امورش چگونه است، می‌توانم، اما می‌ترسم درباره‌ام به راه جلوروید و مرا به رسول خدا صلی الله علیه و آله برتری نهدید. هان! من این رازها را با خاصگان که از بیم غلوگویی در امان هستند در میان می‌گذارم. (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص ۲۵۰)

امام علی علیه السلام در خطبه‌ای تصریح می‌کند که از همه رخدادها تا روز رستاخیز باخبر است:

فَأَسْأَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا [تَسْأَلُونَنِي] تَسْأَلُونِي عَنْ شَيْءٍ فِيمَا بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ السَّاعَةِ وَ لَا عَنْ فِتْنَةٍ تَهْدِي مَائَةً وَ تُضِلُّ مَائَةً إِلَّا أَنْبَأْتُكُمْ بِنَاعِقِهَا وَ قَائِدِهَا وَ سَائِقِهَا وَ مُنَاحِ رِ كَابِهَا وَ مَحْطِّ رِ حَالِهَا وَ مَنْ يُقْتَلُ مِنْ أَهْلِهَا قِتْلًا وَ مَنْ يَمُوتُ مِنْهُمْ مَوْتًا.

از من پرسید پیش از آنکه مرا نیابید. بدان کس که جانم به دست اوست، نمی‌پرسید از چیزی که میان شما تا روز قیامت است و نه از گروهی که صد تن را به راه راست می‌خواند و صد را گمراه می‌سازد از آنکه شمار از آن آگاه کنم، از آنکه مردم را به آن فرامی‌خواند و آنکه رهبری‌شان می‌کند و آنکه آنان را می‌راند و آنجا که فرود آیند و آنجا که بار گشایند و آنکه کشته شود از آنان و آنکه بمیرد از ایشان.

پیشگویی امام علیه السلام در مواردی مانند مسلط شدن معاویه و فرمان او نسبت به دشنام و براءت از امام علیه السلام، فتنه و حوادث تلخ حکومت بنی‌امیه، انقراض حکومت بنی‌امیه در فرجام کار و ظهور حکومت عباسیان، ظهور حجاج بن یوسف ثقفی، طغیان صاحب‌الزنج از قرامطه و هجوم مغولان و کشتار وسیع آنان از نمونه‌هایی است که بر گستردگی دانش امام علیه السلام حکایت دارد. جامعیت علمی حضرت امام علی علیه السلام و تطبیق آیه مورد بحث برای ایشان توسط مفسران از صحابه و تابع آن نیز تأیید شده است. بسیاری از عالمان اهل سنت نیز این امر را تأکید کرده‌اند. برای نمونه ابن‌کثیر دانش امام علی علیه السلام را شامل موضوعات فراطبیعی مانند آگاهی از چیستی بیت‌المعمور می‌داند. (ابن‌کثیر، ۲۰۰۵، ۴۳/۱) روایت «انما مدینه العلم و علی بابها» که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله صادر شده است تأییدی

دیگر بر وسعت دانش حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است. حاکم نیشابوری در مستدرک می نویسد:

حدثنا ابو العباس محمد بن يعقوب ثنا محمد بن عبد الرحيم الهروي بالمرلة ثنا أبو الصلت عبد السلام بن صالح ثنا أبو معاوية عن الأعمش عن مجاهد عن ابن عباس رضی الله عنهما قال، قال رسول الله صلى الله عليه وآله انا مدينة العلم و علي بايها فمن أراد المدينة فليأت الباب. پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله فرمود من شهر علم و علی عليه السلام دروازه آن است. برای داخل شدن در مدینه از دروازه آن وارد شوید. (۱۹۹۸، ۳/۱۲۶)

او تأیید می کند که سند این حدیث شریف صحیح است: «هذا حديث صحيح الاسناد». وی برای تأکید بر صحت این حدیث روایت دیگری را با همین مضمون از سفیان ثوری نقل کرده است. همچنین روایاتی که بر گستره بیکران دانش امام علی عليه السلام اشاره دارند از سوی بسیاری از اندیشه وران اهل سنت منعکس شده است. برای نمونه هیشمی در مجمع الزوائد، طبرانی در المعجم الكبير، ابن عبد البر در الاستيعاب، زمخشری در الفایق فی غریب الحدیث، ابی الحدید در شرح نهج البلاغه، زرنندی در نظم درر السمطين، سیوطی در جامع الصغیر، متقی هندی در کنز العمال، راغب اصفهانی در مفردات، حاکم حسکانی در شواهد التنزیل، خطیب بغدادی در تاریخ بغداد، ابن عساکر در تاریخ دمشق، ابن اثیر در اسد الغابه، ذهبی در تذکره الحفاظ و ابن حجر عسقلانی در تهذیب التهذیب بخشی از این روایات را ذکر کرده اند. حال باید پرسید آیا دیگر مؤمنان مانند عالمان اهل کتاب یا عبدالله بن سلام از چنین دانش گسترده ای سهمی هر چند اندک دارند؟

وقتی معاویه بن ابی سفیان با قیس بن سعد بن عباده در مدینه رو به روشد قیس گفت: «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» امام علی عليه السلام است. معاویه در پاسخ گفت عبدالله بن سلام است. قیس گفت مراد امام علی عليه السلام است و سپس آیاتی را از قرآن قرائت کرد مانند «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (رعد: ۷) و «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ نِبْيَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ» (هود: ۱۷) و گفت مراد از هادی در آیه اول شاهد در آیه دوم امام علی عليه السلام است؛ زیرا رسول خدا صلى الله عليه وآله او را در روز غدیر به خلافت نصب کرد و فرمود: «هر که من مولای اویم، پس علی نیز مولای اوست» و همچنین فرمود: «ای علی! تو نسبت به من مانند هارون نسبت به موسی هستی از اینکه بعد از من پیامبری نخواهد بود». معاویه در جواب قیس ساکت شد و نتوانست کلام قیس را انکار کند. (کلینی، ۱۴۰۷، ۱/۳۳۳)

باید گفت که از جمله نقاط مثبت این دیدگاه هم خوانی آن با دیدگاه مفسران شیعه و مستند کردن آن با روایاتی که فریقین مضمون آن را نقل کرده اند، است. به عقیده نگارنده نفس این

دیدگاه مورد قبول است، اما علاوه بر آن باید با تأسی از آن امام بزرگوار و قرار دادن آنها به عنوان مرجعیت علمی و عملی راه درست و طریق هدایت را پیمود.

#### ۴. نتیجه گیری

مفسران اهل سنت به چند دیدگاه ملتزم شده اند:

همه مؤمنان: این دیدگاه اشکال دارد؛ زیرا بسیاری از مؤمنان قبل از ایمان در ضلالت و گمراهی به سر می بردند و هرگز درست نیست که خداوند شهادت چنین افرادی را برجسته کند و در راستای شهادت خود قرار دهد.

عالمان یهود و نصارا: علم مورد نظر بسیار فراتر از علوم ظاهری و ویژگی های فردی و خصوصی است. این علم وقتی مقابل علم آصف بن برخیا «علم من الکتاب» گذاشته شود می توان دریافت، اما صاحب «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» احاطه به اسرار و بطون، رموز و تصرف در امور تکوینی و تشریحی دارد. حال باید از مفسران اهل سنت پرسید که کدام یک از علمای اهل کتاب چنین علمی داشتند؟ همچنین اهل کتاب در مدینه ایمان آورده بودند و معنی ندارد که رسول خدا ﷺ در رسالت خود به شهادت کسی که به نبوت او ایمان ندارد، گواهی دهد.

عبدالله بن سلام: وی بعد از هجرت به پیامبر اکرم ﷺ ایمان آورد و همواره به دشمنی اهل بیت ائمه شیره بود. از طریق او بسیاری از اسرائیلیات وارد متون روایی و دینی شد، اما ایمان او با مکی بودن آیه منافات دارد. علاوه بر آن مصداق آیه باید مقام عصمت داشته باشد؛ زیرا همان گونه که برای اثبات مقام عصمت پیامبر اکرم ﷺ نام خداوند را ذکر کرد، باید مصداق این فراز از آیه نیز چنان درجه از ایمان و عمل صالح داشته باشد که شایستگی قرار گرفتن در این مقام را داشته باشد. بنابراین، باید گفت مصداق اتم و اکمل این آیه امام علی علیه السلام است؛ زیرا مصداق آیه باید در امر شهادت از نظر عصمت و علم و آگاهی، هم پای شهادت با خداوند و رسول اکرم ﷺ باشد.

## فهرست منابع

- \* قرآن کریم (۱۳۸۹). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
۱. ابن عربی، محمد بن عبدالله بن ابوبکر (بی تا). احکام القرآن. بیروت: دار الجیل.
۲. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (۱۴۰۴). زاد المسیر فی علم التفسیر. بیروت: دار الکتب العربی.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۶). مناقب آل ابی طالب علیهم السلام. بیروت: المکتبه الحیدریه.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا). التحریر و التنویر. بیروت: مؤسسه التاریخ.
۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹). تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۶. ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد (۱۴۱۲). الاستیعاب فی معرفه الأصحاب. جلد ۳. محقق: بجاوی، علی محمد. بیروت: دار الجیل.
۷. ابن قتیبه الدینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم (۱۴۱۰). الإمامه و السیاسه المعروف بتاریخ الخلفاء. محقق: شیری، علی. بیروت: دار الأضواء.
۸. ابن هشام حمیری معافری، عبدالملک (بی تا). السیره النبویه. محقق: سقا، مصطفی؛ ابیاری، ابراهیم؛ شبلی، عبدالحفیظ. بیروت: دار المعرفه.
۹. ابن هوزان قشیری، عبدالکریم (بی تا). لطایف الاشارات. مصر: ناشر الهیئته المصریه العامه للکتاب.
۱۰. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۱. بغوی، حسین بن مسعود شافعی (۱۴۱۹). مصابیح السنه. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۲. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰). معالم التنزیل فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۳. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸). انوار التنزیل و اسرار التاویل. جلد ۳. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۴. تفتازانی، سعد الدین مسعود بن عمر بن عبدالله (۱۹۸۱). شرح المقاصد فی علم الکلام. پاکستان: دار المعارف النعمانیه.
۱۵. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲). الكشف و البیان عن تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۹۹۸). المستدرک علی الصحیحین. بیروت: دار المعرفه.
۱۷. حجتی، سید محمدباقر (۱۳۹۳). اسباب النزول. قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۸. حسکائی، عبیدالله بن احمد (۱۴۱۱). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۱۹. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفکر.
۲۰. خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۰۵). تاریخ بغداد. جلد ۱۱. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۱. ذهبی، محمد بن احمد (۱۹۹۶). سیر اعلام النبلا. بیروت: مؤسسه الرساله.
۲۲. ربیع، آمال محمد عبدالرحمان (۱۴۲۲). الاسرائیلیات فی التفسیر الطبری. مصر: جمهوریه مصر العربیه. وزاره الاوقاف، المجلس الاعلی للثئون الاسلامیه.
۲۳. زرکشی، محمد بن بهادر (۱۴۰۸). البرهان فی علوم القرآن. بیروت: مکتبه العصریه.
۲۴. سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد (بی تا). بحر العلوم. بیروت: دار الفکر.
۲۵. سیوطی، جلال الدین الرحمن (۱۴۰۴). الدر المنثور فی التفسیر بالماثور. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۶. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). نهج البلاغه (للصبحی صالح). قم: نشر هجرت.
۲۷. طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۹. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفه.



۳۰. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۹۳۹). تاریخ الأمم والملوک. قاهره: مطبعه الاستقامه.
۳۱. طیب، سید عبد الحسین (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات اسلام.
۳۲. عاملی، سید جعفر مرتضی (۱۴۱۹). الصحیح من سیره النبی الأعظم. بی جا: سحر گاهان.
۳۳. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
۳۵. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴). مصباح المنیر. قم: مؤسسه دار الهجره.
۳۶. قرطبی انصاری، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۷. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۲۲). ینابیع الموده. جلد ۳. قم: منظمه الاوقاف و الشؤون الخیریه. دار الأسوه للطباعه و النشر.
۳۸. کاشانی، ملافتح الله (۱۳۳۶). تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین. جلد ۵. تهران: کتاب فروشی محمد حسن علمی.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷). الکافی. محقق: غفاری، علی اکبر. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴۰. محمدتقی، دیاری بیدگلی (۱۳۸۷). نقد و بررسی اسرائیلیات از دیدگاه آیت الله معرفت. مجله معرفت قرآنی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴۱. معرفت، محمدهادی (۱۴۱۸). التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب. مشهد: الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه.
۴۲. نسفی، عبدالله بن احمد (۱۹۹۵). مدارک التنزیل و حقایق التأویل. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴۳. واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹). کتاب المغازی. محقق: مارسدن جونس. بیروت: ناشر مؤسسه الاعلمی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی